

سبک تشبیهی در اشعار پیروان خط فکری رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران

دکتر بهروز رومیانی*

معصومه بخشی زاده**

چکیده

بلاغت از بحث‌های ارزشمند علمی است که به بررسی جنبه‌های زیباشناسی یک اثر ادبی می‌پردازد. در این راستا بسامد، نوآوری و کیفیت عناصر زیباشناسی اثر می‌تواند در امتیازدهی و کسب اعتبار مؤثر باشد. هم‌چنین نوع کاربرد عناصر بلاغی می‌تواند به عنوان عنصر سبک ساز بررسی گردد؛ به این معنا که در هر دوره و بر اساس پختگی و ناپختگی سبک، شکل‌های خاصی از بلاغت با بسامد بالا به کار برده می‌شود. تشبیه یکی از پایه‌های اساسی علم بیان است که به عنوان هسته اصلی، محوری و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه، زبان خبر را به زبان هنر و ادب مبدل می‌سازد. در شعر پیروان خط فکری رهبر انقلاب که به شاعران انقلاب نیز معروفند، شاهد شکل‌گیری سبک تشبیهی هستیم که در این پژوهش به بررسی آن و توجیه دلایل آن پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی

رهبر معظم انقلاب، شعر انقلاب اسلامی، سبک شناسی، تشبیه، بلاغت.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، گروه زبان و ادبیات فارسی، زاهدان، ایران.

** دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۳

بررسی محتوای آثار ادبی از منظر زیباشناسی و بلاغت می‌تواند گامی در جهت شناخت تحولات یک عصر و نوع ادبی باشد. مهم‌ترین دستاورد این‌گونه از مطالعات، شناخت تمایزهای ادبی ادوار فارسی و تمایل ذائقه ادبی یک عصر به نوعی خاص از بلاغت است.

بلاغت در اصل لغوی از ریشه «بَلَّغَ» به معنای رسیدن گرفته شده است؛ و به معنای بالغ شدن مرد، جوان شدن و بلوغ به کار می‌رود (دهخدا. ذیل بلاغت). در متون ادبی نیز همین معانی کاربرد دارد؛ اما، بلاغت در اصطلاح به معنای چیره‌زبانی، شیوا سخنی، فصاحت و زبان‌آوری می‌آید. از نظر اصطلاحی، سخن‌شناسان تعاریف متعددی از واژه بلاغت ارائه داده‌اند. در یک بررسی کلی می‌توان به این نتیجه رسید که آنچه در همه تعاریف مشترک است ویژگی خاص و ذاتی بلاغت یعنی «تأثیرگذاری» است (شمیسا، ۱۳۹۱: ۲۳).

بلاغت ممکن است وصف متکلم باشد، هم‌چنین ممکن است وصف جمله قرار گیرد. متکلم و گوینده‌ای بلیغ است که کلامش فصیح و مطابق با مقتضای حال باشد. جمله، یا کلامی بلیغ است که بر مخاطب تأثیر بگذارد به نحوی که در لذت، شادی و یا اندوه گوینده، شنونده نیز سهیم شود. مقتضای حال او را در نظر بگیرد، به این معنا که برای مثال در محفلی ایجاب می‌کند سخن با اطناب (تفصیل) ایراد شود و برعکس جایی اقتضا می‌کند سخن با ایجاز (اختصار) بیان شود. پس این وظیفه گوینده است که شرایط مختلف را برای تأثیرگذاری کلامش در نظر بگیرد. بلاغت غالباً همراه واژه فصاحت به کار می‌رود. فصاحت به معنای درستی و صحت کلام از نظر لفظی و واژگانی و دستوری است. یعنی قبل از اینکه ما به تأثیرگذاری و بلاغت جمله فکر کنیم باید در این فکر باشیم که از واژگان صحیح و بافت درست دستوری استفاده کنیم، اگر کلمات به کار رفته در متن غلط باشند، آیا می‌توان به تأثیر کلام امیدوار بود؛ پس پیش‌نیاز و مقدمه بلاغت، فصاحت است و این دو مقوله در یک ارتباط متقابل قرار دارند. جلال‌الدین همایی می‌گوید: «بلاغت کلام آن است که جمله فصیح و برای بیان مقصود گوینده، واضح و رسا و مطابق مقتضای حال و مقام باشد (همایی، ۱۳۷۷: ۱۸).

اصل و منشأ بلاغت به ادب عرب برمی‌گردد و به شدت تحت تأثیر آن است. در قرون دوم

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ۴۹

و سوم، علما و ادبای عرب در زمینهٔ اعجاز قرآن و بلاغت آن به تحقیق و بررسی پرداختند از همین جا بود که دیباچه علم بلاغت گشوده شد. از آن پس ادیبانی که بیشتر ایرانی بودند به تألیف کتاب‌های متعدد در این زمینه پرداختند. این علم بعدها از طریف ترجمه کتاب «هنر شاعری» ارسطو، فیلسوف یونانی، با عقاید و آرای دیگر فیلسوفان یونانی نیز آمیخته شد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۳).

فن بلاغت فارسی و عربی به سه شاخه معانی، بیان و بدیع تقسیم می‌شود. کار تالیف کتاب‌های مربوط به بلاغت در زبان فارسی از اواخر قرن پنجم شروع شد. از جمله این کتاب‌ها، «المعجم فی معاییر اشعار العجم» تألیف شمس قیس رازی؛ «ترجمان البلاغه» تألیف محمد بن عمر رادویانی؛ «حدائق السحر فی دقائق الشعر» تالیف رشید الدین وطواط و... است.

علم بلاغت در ادبیات غرب، از یونان باستان شروع شد. ارسطو بلاغت را هنر کشف و کاربرد وسایلی می‌دانست که برای ترغیب و تهییج شنونده مفید واقع شود. علاوه بر ارسطو، چند تن دیگر از جمله سیسرون و کوئین تیلین، خطیب قرن اول میلادی، کتاب‌هایی در زمینه بلاغت در خطابه نوشته‌اند. در نیمهٔ قرن دوم قرن بیستم، بار دیگر اصول بلاغت ارسطویی رواج یافت و این اصول، هم در مورد نگارش مورد توجه واقع شد و هم برای شناخت عناصر رمان‌ها و شعرها.

بنا بر این ویژگی، بلاغت به واژگان مفرد نسبت داده نمی‌شود و تنها ترکیب‌ها و عبارات را شامل می‌شود، در حالی که ویژگی فصاحت به کلمه نسبت داده می‌شود.

سبک تشبیهی

سبک، مظهر گزینش شاعر از وسایل تعبیر است (فضل، ۱۹۹۸: ۱۲۶). نویسنده از امکانات و ابزار فراوان و عدیده‌ای که در زبان دارد، برخی را برمی‌گزیند و با ترکیب آن‌ها با هم اثری را پدید می‌آورد. «به بیان دیگر مسأله سبک، مسأله‌ای است که بر مفهوم گزینش استوار است. گزینش این شق یا آن شق در سطوح گوناگون زبان، یعنی سطوح معنایی، واژی دستوری و

۵۰۰ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

آوایی زبان. در نتیجه هر متن دارای ویژگی‌هایی خواهد بود که فراورده‌ی گزینش‌هایی هستند که فرد در تمامی این سطوح صورت می‌دهد، و روی هم رفته سبک ویژه‌ی متن را رقم می‌زند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۰۵). بر این گزینش باید ترکیب را نیز اضافه کنیم. زیرا تنها گزینش عامل اصلی سازنده‌ی سبک نیست، بلکه این گزینش باید در ترکیب با دیگر عناصر متن باشد. سبک، نمودار گزینش و ترکیب شاعر و نویسنده از امکانات متعدد زبانی است. هم‌چنین بیان‌گر تقلید یا نوآوری در دستگاه‌های مختلف زبان مانند دستگاه آوایی، دستگاه واژگانی و نحوی است. از جمله مهم‌ترین دستگاه‌های زبان، دستگاه بلاغی است که شامل همه‌ی تزئینات بیانی و بدیعی و به تعبیری همه‌ی عناصر جمالی متن می‌شود. دستگاه بلاغی برجسته‌ترین و مهم‌ترین دستگاه زبان ادبی است که می‌توان روند آفرینش ادبی را در آن ملاحظه نمود. زیرا به نظر می‌رسد نخستین دگرگونی‌های سبکی در این دستگاه روی می‌دهد. اساسی‌ترین رکن این دستگاه تشبیه است که سایر اجزای دستگاه مانند استعاره، تشخیص و حتی کنایه از آن ناشی می‌شود. با بررسی ساختار تشبیه به صورت دقیق می‌توان تحولات سبکی دستگاه بلاغی را نشان داد.

اشخاص مختلف می‌توانند سبک‌های گوناگون داشته باشند و دوره‌های مختلف نیز دارای سبک‌های متفاوتی هستند. هر دوره مشخصات و ویژگی‌هایی دارد که آن را از دوره‌های قبل و بعد متمایز می‌کند. تغییرات دستگاه‌های مختلف زبان مانند دستگاه آوایی، دستگاه واژگانی، نحوی و... باعث می‌شود در هر دوره با عناصر نو و تازه‌ای رو به رو شویم که حداقل نحوه‌ی کاربرد آن‌ها با ادوار پیشین متفاوت به نظر می‌رسد. یکی از دستگاه‌های مهم، دستگاه بلاغی است که می‌توان تحلیل و بررسی عناصر آن را سبک‌شناسی بلاغی نامید. در سبک‌شناسی بلاغی نوع دید و رویکرد شاعران و نویسندگان به جهان و اطراف نمایانده می‌شود؛ به محض تغییر و دگرگونی اوضاع، این تحول در دیدگاه شاعران و نویسندگان بروز می‌کند و نگاه آن‌ها را دگرگون می‌سازد. «در هر سبک تازه، عنصر ویژه‌ای از آنچه واکنش نسبت به سبک ادبی پیشین خوانده می‌شود وجود دارد. این عنصر بیان‌گر مباحثه‌ای درونی و سبک‌ستیزی پنهان

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ۵۱۴۴

نسبت به سبک دیگر است (تودروف، ۱۳۷۹: ۴۹). به نظر می‌رسد در این ستیزه تلاش عمده نویسنده اثر، گریز از تقلید است. او می‌خواهد در دستگاه بلاغی با دیدی دیگر به پیرامون بنگرد و به گونه‌ای نو و تازه نگرش خویش را عرضه کند. نویسنده یا شاعر، نگاه نو خویش را در دستگاه بلاغی خاص پی‌ریزی می‌کند. مثلاً با همین دستگاه بلاغی، مسلمانان تلاش می‌کردند سبک هنری قرآن را توضیح دهند و تشبیهات و انحای هنری آن را روشن نمایند. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۵۳)

سبک‌شناسی بلاغی از بخش‌های مهم و اساسی دانش سبک‌شناسی است و اگر قدری پا را فراتر بگذاریم، سبک‌شناسی بلاغی را باید مهم‌ترین و اصلی‌ترین رکن سبک هر اثر ادبی به حساب آورد؛ زیرا تمام ویژگی‌ها و مختصات آن که ادبیت یا وجه ادبی اثر را تشکیل می‌دهند و زمینه ادبی شدن آن را فراهم می‌کنند در این دستگاه متجلی می‌شود.

نقش تشبیه در دستگاه بلاغی

اگر دستگاه بلاغی را شامل همه تصاویر و تزینات بدیعی و بیانی بدانیم (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲) تشبیه مهم‌ترین عنصر سازنده این دستگاه است که صورت‌های دیگر خیال مانند استعاره، تشخیص و حتی رمز و کنایه از آن ناشی می‌شود. تشبیه نشان‌دهنده وسعت و زاویه دید شاعر است؛ نشان می‌دهد که شاعر چگونه توانسته میان اشیاء و عناصر به ظاهر بی‌ارتباط و متنوع پیوند ایجاد کند؛ ارتباطی که با هیچ دید و توانی جز دید و توان شاعر دریافت نمی‌شود. به دیگر سخن هسته مرکزی خیال‌های شاعرانه تشبیه است. گویا به همین دلیل ابن رشیق قیروانی اساس و بنای شعر را تشبیهی خوش یا استعاره‌ای دلکش می‌داند: «شعر چیزی است که مشتمل بر تشبیهی خوش و استعاره‌ای دلکش باشد و در ماسوای آن‌ها گوینده را فضل وزنی خواهد بود و بس» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۲: ۷) از آن‌جا که پایه استعاره نیز بر تشبیه استوار است می‌توان گفت ابن رشیق اساس شعر را تشبیه می‌داند. از دیگر سو تشبیه نشان‌دهنده تقلید یا خلاقیت نویسنده یا شاعر است و نشان می‌دهد تا چه میزان صاحب اثر،

۵۲ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

آفریننده یا مقلد بوده است. چنین آفرینشی شاعران و نویسندگان صاحب سبک را از مقلدان متمایز می‌کند: زیرا «شاعران مقلد از تشبیهات و استعارات ایشان استفاده می‌کنند و در واقع از چشم ایشان می‌بینند و از زبان ایشان می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۷۸)

شعر انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی (بهمن ماه ۱۳۵۷) شعر معاصر ایران، حال و هوای دیگری یافت؛ شعر این دوره که هنوز هم نمی‌توان به درستی درباره ویژگی‌ها و موفقیت‌های آن سخن گفت، بسیار پر حجم، و تحول و نوآوری در آن فراوان است.

در شعر انقلاب انواع قالب‌های شعری مانند غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی، چهارپاره، قطعه، قصیده، تک بیتی و قالب‌های نو به چشم می‌خورد. در همه قالب‌ها دخل و تصرف‌هایی صورت گرفته که آن را از شکل‌های سنتی و گذشته متمایز می‌نماید. از میان قالب‌های سنتی غزل بیشترین کاربرد را شعر انقلاب داشته و حجم غزل‌های سروده شده جدا از موفقی یا ناموفقی بودن آن‌ها - نسبت به قالب‌های دیگر بیشتر است. نوآوری شاعران این دوره در غزل سرایی، غزل این دوره را با ویژگی‌هایی همراه کرده است که قطعاً باید از آن با عنوان «غزل نو» یاد کرد.

قابلیت غزل برای بیان مفاهیم عرفانی و معنوی که از دیرباز مورد توجه شاعران بوده است در این دوره با روحیه حماسی شاعران انقلاب و شاعران دوره جنگ تحمیلی به هم آمیخت و «غزل عرفانی و حماسی» را مشحون از نوآوری‌های لفظی و ترکیب‌های خاص کرد.

از پیشگامان برجسته غزل نو قبل از پیروزی انقلاب سیمین بهبهانی است که کار خود را با دو مجموعه خطی ز سرعت و از آتش و دشت ارژن ادامه داد. محمدعلی بهمنی هم در سال ۱۳۶۹، نمونه‌هایی موفقی از غزل نو را با انتشار مجموعه گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود عرضه کرد. سایه، مشفق کاشانی، عزت‌الله فولادوند نیز با سرودن غزل‌های نو در زمره غزل پردازان سالمند این دوره شمرده می‌شوند. از قیصر امین‌پور، حسن حسینی، حسین اسرافیلی،

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ۱۳۹۱: ۵۳

سلمان هراتی، سهیل محمودی، زهره نارنجی، ایرج قنبری، فاطمه راکعی، علیرضا قزوه، ساعد باقری، عبدالجبار کاکایی هم می‌توان به عنوان شاعران غزل‌پرداز نسل انقلاب یاد کرد.

رهبر انقلاب

آیت‌الله خامنه‌ای که با عنوان امام خامنه‌ای در جامعه ایران شناخته شده‌تر هستند، پس از امام خمینی به مقام رهبری نظام جمهوری اسلامی انتخاب شدند. این نظام که بر پایه مبانی فکری - سیاسی اسلام شکل گرفته بود، جمهوری اسلامی نامیده شد.

تفکرات و آرمان‌های امام خامنه‌ای در قالب شعر، بیانیه‌ها و رهنمودهای مذهبی - سیاسی منتشر گردید و هم پیش از انقلاب و هم پس از آن به شدت مورد استقبال جوانان قرار گرفت. این رویه را می‌توان در شعر جوانان ایرانی ملاحظه کرد.

رهبر جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن مرجعیت مذهبی - سیاسی، در عرصه شعر و ادب نیز حضور درخشانی داشته و در جلسات شعر و نقد به طور مستمر حضور دارند. با توجه به جذب شدن روزافزون قشر جوان و شاعر به مقام مذهبی - سیاسی و ابعاد فرهنگی رسالت الهی ایشان، نمود افکار و آرای ایشان را می‌توان در شعر پارسی ملاحظه کرد.

رشکم آید که تو حیدر بابا	بوسی آن دست که خود دست خداست
راستان دست چپ از وی بوسند	که خدا بوسد از او دست به راست
در امامت به نماز جمعه	صد هزارش به خدا دست دعاست
من بیان هنرم، یک دل و بس	او عیان هنر از سر تا پاست

(شهریار، ۱۳۹۱: ۵۹)

گاه نیز شاعران به پاسخ‌گویی اشعار روی آورده‌اند. پاسخ حمیدرضا فاطمی به شعر یاران خراسانی رهبر:

من عاشق آن رهبر نورانی خویشم	آن دلبر وارسته عرفانی خویشم
------------------------------	-----------------------------

۵۴ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

عمری است غمینم ز پریشانی آن یار	هر چند که محزون ز پریشانی خویشم
در دام بلایت شده‌ام سخت گرفتار	امواج بالای دل طوفانی خویشم
چون نقش نگارین تو بر دیده در افتد	گمگشته این دیده بارانی خویشم
زان لحظه که مجنون شدم از زلف سیاهت	در کوهم و در دشت و بیابانی خویشم
از شوق وصال تو چه ویرانه شد این دل	چندی است که شاد از دل ویرانی خویشم
یک لحظه پشیمان نشدم از غم آن دوست	عمری است که مشغول نگهبانی خویشم
دل کنده‌ام از عالم دنیایی ولیکن	دل بسته آن یار خراسانی خویشم
توفیق زیارت به جمالش ندهندم	این غم به که گویم غم پنهانی خویشم
زان روز که در بند نگاه تو اسیرم	افسرده دیدارم و زندانی خویشم
سرباز و نگهبانم و هم حامی جان از	جمهوری اسلامی ایرانی خویشم
من گرچه در این دایره شاعر نیم اما	تضمین‌گر شعریش به نادانی خویشم

(حمیدرضا فاطمی، ۱۳۸۶: ۲۱)

سبک تشبیهی در اشعار پیروان فکر و شعر رهبر معظم انقلاب

بخش عمده‌ای از اشعار معاصر که به تبعیت از مقام معظم رهبری سروده شده، شعر مذهبی است. با توجه به ارزشمندی مباحث اسلامی در مجموعه سخنرانی‌ها و تألیفات معظم له، انتظار می‌رفت که یکی از برجسته‌ترین زمینه‌های شعر انقلاب به مذهب و اسلام تعلق بگیرد.

در میان اشعار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اشعار مذهبی جایگاه ویژه‌ای دارد. این اشعار عمدتاً در رابطه با امام‌زمان سروده شده‌اند:

خدا کند که کسی حالتش چو ما نشود	ز دام خصال سیاهش کسی رها نشود
خدا کند که نیفتد کسی ز چشم نگار	به نزد یار چو ما پست و بی‌بها نشود
جواب ناله ما را نمی‌دهد «دلبر»	خدا کند که کسی تحسب‌الدعا نشود

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال شانزدهم ❖ شماره ۳۶

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ۵۵

شنیده‌ام که از این حرف، یار خسته شده
مریض عشقم و من را طیب لازم نیست
خدا کند که به اخراج ما رضا نشود
خدا کند که مریضی من دوا نشود
شفای ما به قیامت به جز رضا نشود
روزگار غریبم گشته است معلوم

(خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۵۸)

سروده‌ای از رهبر عزیزمان در باره امام زمان روحی فداه:

دلم قرار نمی‌گیرد از فغان بی‌تو
سپندوار ز کف داده‌ام عنان بی‌تو
ز تلخ‌کامی دوران نشد دلم فارغ
ز جام عشق لبی‌تر نکرد جان بی‌تو
چو آسمان مه آلوده‌ام ز تنگ‌دلی
ژر است سینه‌ام ز اندوه گران بی‌تو
نسیم صبح نمی‌آورد ترانه شوق
سر بهار ندارند بلبلان بی‌تو
لب از حکایت شب‌های تار می‌بندم
اگر امان دهم چشم خون‌فشان بی‌تو
چو شمع کشته ندارم شراره به زبان
نمی‌زند سخنم آتشی به جان بی‌تو
ز بی‌دلی و خموشی چون نقش تصویرم
عقیق سرد به زیر زبان تشنه نهم
نمی‌گشایدم از بی‌خودی زبان بی‌تو
چو یادم آید از آن شکرین دهان بی‌تو
گزارش غم دل را مگر کنم چو «امین»
جدا ز خلق به محراب جمکران بی‌تو

(خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۸۶)

در شعر «یاران خراسانی» نیز، اشاره‌ای به امام‌زمان و یاران ایشان شده است که با توجه به

ظهورشان از سمت خراسان به «یاران خراسانی» موسوم هستند:

سرخوش ز سبوی غم پنهانی خویشم
چون زلف تو سرگرم پریشانی خویشم
در بزم وصال تو نگویم ز کم و بیش
چون آینه خو کرده به حیرانی خویشم
لب باز نکردم به خروشی و فغانی
من محرم راز دل طوفانی خویشم
یک چند پشیمان شدم از زندی و مستی
عمری است پشیمان ز پشیمانی خویشم
از شوق شکرخند لبش جان نسپر دم
شرمنده جانان ز گران‌جانی خویشم

۵۶ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

بشکسته‌تر از خویش ندیدم به همه عمر افسرده‌دل از خویشم و زندانی خویشم
هر چند «امین»، بسته دنیا نسیم اما دل‌بسته یاران خراسانی خویشم

(خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۹۷)

این رویه به شدت بر شاعران معاصر تأثیر نهاده و اشعار بسیاری در مدح و عرض ارادت

به امام زمان در شعر معاصر دیده می‌شود:

از نو شکفت نرگس چشم انتظاری‌ام
تا شد هزار پاره دل از یک نگاه تو
گر من به شوق دیدنت از خویش می‌روم
بود و نبود من همه از دست رفته است
کاری به کار غیر ندارم که عاقبت
تا ساحل نگاه تو چون موج بی‌قرار
با ناخنم به سنگ نوشتم: بیا، بیا
گل کرد خار خار شب بی‌قراری‌ام
دیدم هزار چشم در آینه‌کاری‌ام
از خویش می‌روم که تو با خود بیاری‌ام
باری مگر تو دست بر آری به یاری‌ام
مرهم نهاد نام تو بر زخم کاری‌ام
با رود رو به سوی تو دارم که جاری‌ام
زان پیشتر که پاک شود یادگاری‌ام

(امین‌پور، ۱۳۸۱: ۴۷)

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
دوباره پلک دلم می‌پرد نشانه چیست
کسی که سبزتر از هزار بار بهار
ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
کسی شگفت کسی آن چنان که می‌دانی

(همان: ۷۱)

مردم دیده به هر سو نگرانند هنوز
لاله‌ها، شعله‌کش از سینه داغند به دشت
از سراپرده غیبت، خبری باز فرست
چشم در راه تو صاحب‌نظرانند هنوز
در غمت، همدم آتش جگرانند هنوز
که خبریافتگان، بی‌خبرانند هنوز

(مشفق کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اشعار بی‌شماری موجود است که نمایان‌گر ژرفای اندیشه

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ۵۷

ایشان در مسایل مذهبی - فرهنگی است. ایشان هم‌چنین از مسایل روز غافل نبوده و پیرامون مسایل روز نیز سروده‌هایی دارند. شعر شلمچه از مقام معظم رهبری، به خوبی بیان‌گر تألمات روحی ایشان در باب شهدا است:

ز آه سینه‌سوزان ترانه می‌سازم	چو نی ز مایه جان این فسانه می‌سازم
به غم‌گساری یاران چو شمع می‌سوزم	برای اشک دمادم بهانه می‌سازم
پر نسیم به خوناب اشک می‌شویم	پیامی از دل خونین روانه می‌سازم
نمی‌کنم دل از این عرصه شقایق‌فام	کنار لاله‌رخان آشیانه می‌سازم
در آستان به خون‌خفتگان وادی عشق	برون ز عالم اسباب، خانه می‌سازم
چو شمع بر سر هر کشته می‌گذارم جان	ز یک شراره هزاران زبانه می‌سازم
ز پاره‌های دل من شلمچه رنگین است	سخن چو بلبل از آن عاشقانه می‌سازم
سر و دل و جان را به خاک می‌فکنم	برای قبر تو چندین نشانه می‌سازم

(خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۵۱)

شعر دفاع مقدس، با بسامد بالایی تقلید شده است:

بی‌گمان، نیل و لبنان تو را می‌شناسند	ابرها، باد و باران تو را می‌شناسند
سجده در سجده، هر نیمه شب در سجودی	سروهای خرامان تو را می‌شناسند
آفتاب تغزل، تو شعر سپیدی	بیت‌های زمستان تو را می‌شناسند
یک سحر آسمانی برایت دعا کرد	دست‌های جماران تو را می‌شناسند
بید مجنون! چو، افتاده‌ای سربلندی	قله‌ها، کوه ایمان تو را می‌شناسند
دهکده دهکده عشق و نان را سرودی	لهجه‌های فراوان تو را می‌شناسند
عشق هم نسبتاً چیز چندان بدی نیست	قلب‌های پریشان تو را می‌شناسند
عاقبت دل به دریا زدی با خبر باش	گرگ‌های بیابان تو را می‌شناسند

۵۸ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

نعلش خود را تو سنگر به سنگر کشاندی پس تمام شهیدان تو را می‌شناسند
(دولتیان، ۱۳۸۴: ۴۵)

ماه آمده پایین و ببوسیده لبش را... پیشانی پر نور و سر متخیش را...
چرخیده به دور کمرش قمقمه «می» آمیخته با یاس و سپیده لقبش را
این نخل بهشتی‌ست که از عرش ملائک نازل شده گویا بنشانند تپش را
خمپاره داغی که بریده سر او را گلگون و تر و تازه نموده رطوبش را
تصویر کشیدند به روی در و دیوار خندیدن زیبای به رسم ادبش را...
لبخند شهیدست که حوری بهشتی بارشته گل بافته حُسن طربش را...
تصویر شهید است که بردند خلائق داروی شفابخش بسازند لبش را
لبخند شهیدست که جاری‌ست کماکان تا حفظ کند ریشه اصل و نسبش را
(نژادهاشمی، ۱۳۸۳: ۴۹)

سطح لغوی

از نظر لغوی، شعر پیروان رهبری نه تنها با اشعار معاصر متفاوت است؛ بلکه با پیشینه شعر مدحی پارسی نیز پیوستگی خاصی ندارد. زبان شعر، دنباله طبیعی روانی و سادگی شعر عرفانی است، با این تفاوت که اصطلاحات خاص عرفانی در این دوره ملاحظه نمی‌شود. گرچه در شعر مقام معظم رهبری شاهد کاربرد اندک تعابیر عرفانی هستیم؛ با این حال در شعر پیروان ایشان، گرایش به سمت مفاهیم مذهبی بیشتر است:

تو که خود خال لبی از چه گرفتار شدی تو طیب همه‌ای از چه تو بیمار شدی
تو که فارغ شده بودی ز همه کان و مکان دار منصور بریدی همه تن دار شدی
عشق معشوق و غم دوست بزد بر تو شرر ای که در قول و عمل شهره بازار شدی
مسجد و مدرسه را روح و روان بخشیدی وه که بر مسجیدیان نقطه پرگار شدی

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ۵۹

خرقه پیر خراباتی ما سیره توست امت از گفته در بار تو هشیار شدی
واعظ شهر همه عمر بزد لاف من ای دم عیسی مسیح از تو پدیدار شدی
یادی از ما بنما ای شده آسوده ز غم بیریدی ز همه خلق و به حق یار شدی

(خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۲۲)

دلیل خلق دو عالم فقط تویی زهرا در آیه آیه مریم فقط تویی زهرا
فقط نه خلقت عالم، خود پیمبر گفت: دلیل خلقت من هم فقط تویی زهرا!
جدا ز روضه و پرچم نمی‌شوم هرگز چرا که صاحب پرچم فقط تویی زهرا

(داودی‌نسب، ۱۳۸۹: ۹۱)

واژه‌گزینی

واژه‌گزینی، اگرچه فرآیندی خودکار و غیرقابل پیش‌بینی در زبان است؛ با این حال ارتباط مستقیم و مستحکمی با اندیشه‌های غالب جامعه دارد. اندیشه‌هایی که در سطح تمایلات اجتماعی، باورهای مذهبی و دیگر بخش‌های اندیشه که قابلیت انتقال به بطن اندیشه عمومی را دارد، نمود یافته است.

به طور کلی، با توجه به واژه‌های به کار گرفته شده در سطح یک اثر ادبی می‌توان به این برداشت رسید که نگرش کلی جامعه از منظر مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی به کدام سو متمایل بوده است. حتی می‌توان حسی یا انتزاعی بودن سبک را با توجه به بسامد کاربرد واژگان مرتبط با هر نگرش مشخص کرد.

وفور واژگان حسی، به وجودآورنده سبک حسی است، همان‌گونه که کاربرد واژگان انتزاعی فراوان در یک سبک، نمایان‌گر گرایش ادبا به سبک‌های انتزاعی است: «واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند و واژه‌هایی که بر اشیاء واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسی‌اند. غلبه واژه‌های عینی (در برابر ذهنی) سبک متن را حسی می‌کند و کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی‌شدن سبک می‌شود. (فتوحی، ۱۳۷۹:

۶۰ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

(۲۵۱) این رویه را می‌توان در رابطه با سبک‌های مشهور ادبی ملاحظه کرد. به عنوان مثال، در سبک عراقی که انتزاعی‌ترین سبک ادبی به شمار می‌رود، بسامد بالایی از کاربرد واژگان انتزاعی ملاحظه می‌شود. این در حالی است که کاربرد این واژگان در سبک خراسانی در پایین‌ترین حد قرار دارد. شعر درباری عهد صفوی که در برخی زمینه‌ها موفق به استیصال ریشه‌های نگرش عرفانی حاکم بر ادب پارسی شده است، سبکی حسی را پایه‌ریزی کرده که در نهایت مبین خروج همه‌جانبه شعر عهد صفوی از شعر درون‌گرایی سبک عراقی است. علاوه بر این، شاهد کاربرد ایدئولوژیک پاره‌ای از واژگان و اصطلاحات در سطح متون ادبی هستیم. این رویه جهت انتقال برخی مفاهیم و استفاده ابزاری از شعر و هنر در جهت تبیین عقاید و باورها صورت گرفته است.

تأثیر ایدئولوژیک واژه

واژه‌ها از آن‌جا که بیان‌گر مفهومی قراردادی و محسوس می‌باشند، توانمندی هدایت افکار و عقاید را دارند. شاعر و ادیب می‌تواند به گونه‌ای هدفمند از واژگان جهت انتقال و تفهیم عقاید خود استفاده کند. در این میان، برخی از واژگان در سطحی وسیع و با معنایی خاص به کار می‌رود که می‌تواند در نهایت به عنوان رمز و نشانه خاص سبکی یک دوره شناسایی شود: «تأثیر ایدئولوژیک در لایه واژگانی از طریق بررسی پیوند متن با بافت بیرونی آن شناخته می‌شود. رمزگان، شاخص‌های زبانی و نشان‌داری واژه‌ها از عناصری هستند که متن را با بافت‌ها و زیرمتن‌های اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌زنند. رابطه معنادار واژگان با ایدئولوژی و قدرت را می‌توان با بررسی بسامد رمزگان‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دیگر ساختارهای اجتماعی نشان داد.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۰)

واژگان نشان‌دار، علاوه بر اشاره به مصداق خاص، دربردارنده نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده هم هستند «واژه‌های نشان‌دار، حامل دیدگاه و نگرش ارزش‌گذار و تلقی‌های ایدئولوژیک هستند و به این جهت دارای شاخص اجتماعی هستند. شاخص‌های اجتماعی در زبان عبارتند از آن دسته از عناصر زبانی که مستقیماً یک پاره گفتار را به محتوای آگاهی یک

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ۶۱

گروه اجتماعی پیوند می‌دهند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۵۵)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کاربرد معنادار واژگان در شعر این دوره، توجه به الفاظ و اصطلاحاتی است که در نهایت نشان‌گر تعلقات مذهبی با گرایش تند شیعی شاعر است. شاعر در صدد است تا با استفاده ابزاری از برخی اصطلاحات و مفاهیم، شاخص‌های ویژه‌ای را به شعر و زبان تحمیل کند. از مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته در شعر و ادب این دوره، مفهوم ولایت است:

ای قلم از قدرتی غالب بگو	از علی بن ابی طالب بگو
از علی مرد سیاست مرد دین	از علی تنهاترین مرد زمین
بیعت ما دوستان عین ولاست	زاده زهرا علی روح خداست
عده‌ای از هم‌رهان جاهل شدند	در حمایت از علی کاهل شدند
خاک شهر کوفه بر سرهایتان	پس چه شد ایمان و باورهایتان
پشت بر مولا و زهرا کرده‌اید	هیچ شرمی از شهیدان کرده‌اید
حرفی از اعماق ایمان می‌زنم	با لب و حلق شهیدان می‌زنم
سامری‌ها با قلم بت ساختند	فتنه در دامان دین انداختند
مکر داخل کفر خارج را بین	رونق کار خوارج را بین
دین‌فروشان قلعه در باور زدند	یک به یک پشت قلم اردو زدند
با اساس دین تسامح می‌کنند	پای ارزش‌ها تساهل می‌کنند
هدیه بر رقاصه‌ها واجب نبود	قدر عالم کمتر از مطرب نبود
تا که گردد فتنه و آشوب کم	جبهه‌ای‌ها باز با هم هم قسم
نائب مهدی ولی داریم و بس	شیعیان سید علی داریم و بس
هم منتظر و طالب مهدی هستی	هم یاور و هم نائب مهدی هستی

(شفیعی، ۱۳۸۵: ۸۳)

۶۲ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

عمری اگر از تو دم زدیم آقاجان چون راه رسیدن به مهدی هستی
عاقبت با لطف حق دوران مهدی می‌رسد بلبل خوش‌نغمه از بستان مهدی می‌رسد
می‌دهد این دل گواهی پیر ما سیدعلی پرچم از دست تو بر دستان مهدی می‌رسد

(شفیعی، ۱۳۸۷: ۹۳)

این فرآیند متأثر از ارتباط دو سویه زبان و ایدئولوژی است که در پی آن شاهد بروز نمودها و نشانه‌های اندیشه در زبان هستیم: «زبان در سطوح متفاوت، حامل ایدئولوژی است و به ایدئولوژی شکل می‌دهد و از آن سو از آن شکل می‌پذیرد. ایدئولوژی نه تنها چه گفتن ما را تحت کنترل خود دارد بلکه چگونه گفتن را نیز سازمان‌دهی می‌کند. در نوشتار و گفتار هر گوینده‌ای نگرش شخصی و ذهنیت هستی‌شناختی، ارزش‌ها، تلقی‌ها، باورها، احساسات و پیش‌داوری‌های زمانه وی، به طور خودآگاه یا ناخودآگاه نمودار می‌شود. از این رو شکل‌های کنش و واکنش کلامی با ویژگی‌های یک وضعیت اجتماعی و فکری مشخص، پیوند تنگاتنگی دارد.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۴۵) این تأثیر ملموس و گسترده، در تمام حیطه‌ها قابل رؤیت است: «بازتاب ایدئولوژی در عناصر زبان در همه سطوح آن از نظام آوایی تا واژگان و ساخت‌های نحوی و عناصر بلاغی قابل بررسی است.» (همان: ۳۵۴)

سطح نحوی

شمیسا موارد متعددی را برای بررسی اثر از نظر نحوی ارائه می‌دهد از جمله «بررسی جمله از نظر محور هم‌نشینی، کاربردهای کهن دستوری و...» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۵۵) قطعاً شعر این دوره، به جهت عاری‌بودن از این مشخصه‌های سبکی با اشعار مذهبی قبل از خود که در زمینه مدح و مرثیه سروده شده، در تضاد است. تقریباً هیچ کدام از مشخصه‌های دستوری کهن؛ نظیر استفاده از یاء تمنی و گزارش خواب، فعل ماضی با «ب» آغازی، استفاده از دو حرف اضافه برای متمم و دیگر مواردی که بیان کرده است (همان: ۱۵۵) در شعر این دوره مشاهده نمی‌شود و همان‌گونه که در مبحث قبل نیز متذکر شدیم، عاری بودن زبان شعر از

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ۱۳۶۳

مشخصه‌های لغوی و نحوی کهن، بیان‌گر نزدیکی زبان به آن چیزی است که نثر و شعر معاصر نامیده می‌شود.

فکری

شعر مدحی سبک خراسانی، عمدتاً برون‌گرا است و این خصوصیتی است که تقریباً تمام اشعار این دوره را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ حتی در منظومه‌های سروده شده در سبک خراسانی و آذربایجانی نیز می‌توان برون‌گرایی ویژه‌ای را ملاحظه کرد. در سبک عراقی، اشعار مدحی به سبب درون‌گرایی افراطی سبک عراقی که ضمناً از مشخصه‌های سبکی این دوره نیز به شمار می‌رود، درون‌گرایی را به میزان چشم‌گیری تجربه می‌کند؛ اما در اشعار این دوره، مجدداً شاهد برون‌گرایی آثار ادبی هستیم. اشعار این دوره آفاقی و انفسی نیست. شاعر در بسیاری از موارد، تنها یک راوی است که بخشی از زندگی یا تفکر ممدوح را یادآوری می‌کند و یا برخی ویژگی‌های برجسته اخلاقی ممدوح را برای مخاطب آشکار می‌کند. این خصیصه، خود یکی دیگر از ویژگی‌های شعر مدحی؛ یعنی استحکام معنایی را در حوزه فکری به وجود می‌آورد.

ادبی

از نظر ادبی، شعر پیروان رهبری نسبت به شعر هم دوره و پیش از آن، شباهت زیادی ندارد. شعر عاری از هنرنمایی‌های گسترده ادبی - بیانی است. شاعر با زبانی همه‌فهم و روزمره به بیان اعتقادات خود روی آورده است.

مسأله عدم توجه شعرای سبک تشبیهی معاصر (پیروان شعر رهبر معظم انقلاب) به اصول زیباشناسی شعر، مسأله چندان دور از انتظاری نبوده است؛ چرا که همواره در پی انتقال ایدئولوژی به شعر و ادب، شاهد انحطاط توجه به مسایل زیباشناسی هستیم. این واقعیتی است که شعر ایدئولوژیک را از شعر و ادب در معنای حقیقی متمایز می‌کند: «اثر ادبی، بر اولویت‌های زیباشناسیک محض اصرار دارد اما نوشتار ایدئولوژیک به مبانی اعتقادی و

۶۴ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

ارزش‌های گروه اولویت می‌دهد و امور جمالی را برای بیان عقاید گروه اجتماعی به خدمت می‌گیرد. نتیجه چنین رویکردی آن است که متن با افول ارزش‌های ایدئولوژیک، تأثیر خود را از دست می‌دهد و پدیده‌ای زمان‌مند و تاریخی می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۷۳) در حقیقت شعر و ادب ایدئولوژیک در پی ایجاد اثر هنری - ادبی و خلق تصاویر ناب نیست؛ بلکه در گام نخست خواهان انتقال آرا و نظریات جنبش فکری خویش است. از این رو است که از توجه به آرایه‌ها و مقوله‌های هنری که در نهایت شعر را چند وجهی و نمادین می‌سازد، به گونه‌ای که بیم آن برود که معنایی دیگر از شعر مستفاد شود، پرهیز می‌کند: «ایدئولوژی مسلط از آن جا که موضع مشخص، اهداف و ارزش‌های روشن و «عقاید مسلم» دارد، زبانی روشن، تک معنا، قاطع و صریح می‌طلبد. به حدی که گاه وضوح و قطعیت در آن به قشریت هم می‌انجامد. بنا بر این آن دسته از صناعات بلاغی که سبب ابهام و چندوجهی شدن متن می‌شوند برای مقاصد ایدئولوژیک کارآمد نیستند. عموماً ایدئولوژی‌های حاکم از زبان مجازی که دلالت را چندوجهی می‌کند کمتر بهره می‌برند. مجازهای تشویش‌آفرین و حیران‌کننده و چندمعنا مانند نماد، پارادوکس، تمثیل رمزی و آبرونی گاه به نوعی هرج و مرج معنایی می‌انجامد که ممکن است اساس توافق‌های گروه اجتماعی را سست کند. عناصری مانند استعاره، نماد، تمثیل‌های رمزی و پارادوکس و تهکم و طنز، متن را متشابه می‌کنند. متن متشابه از آن جا که معنایش متکثر است مورد توافق جمع نیست؛ حال آن که گروه ایدئولوژیک متن را به منزله اعلانیه یا مرام‌نامه می‌بیند که باید بر هم‌سوئی و وفاق جمعی گروه تأکید کند، قاطع، واضح و تک معنا باشد و یک تبیین قاطعانه از جهان و همه امور آن ارائه کند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۶۲) این در حالی است که یکی از مسایل اساسی پیرامون محیط اجتماعی و جغرافیایی شاعر، تبعیت وی از شرایطی است که در برهه خاص تاریخی - اجتماعی از سوی جامعه ادبی یا جامعه سیاسی به وی تحمیل می‌شود. از این رو است که شاعر گاه به سرایش اشعاری روی می‌آورد که با توجه به تمایلات فکری - هنری، دارای مشخصه‌های منحصر به فرد و مطابق با جریان خاص مورد نظر است. در شعر عهد صفویه که تمایلات ادبی حکومت هم‌سو با گرایش‌های مذهبی

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ۶۵

است و شاهد استیلای شعر ایدئولوژیک هستیم، می‌توانیم به طور هم‌زمان شاهد افول جنبه‌های هنری و زیباشناسی شعر نیز باشیم. شاید عمده‌ترین دلیل چنین رویدادی، تبلیغی‌بودن و سفارشی‌بودن این گونه ادبی است: «شعری که برای تبلیغ و مدح سروده شود، مسلماً واقعیتی ندارد و هرگز متضمن تمایلات و عواطف و افکار وسیع بشری نیست. زیرا برای طبقه خاصی گفته می‌شود.» (شجیعی، بی‌تا: ۱۴) شعرا ساخته محیط اجتماع و نتایج و اسباب آن می‌باشند. زیرا محیط ادبی نمی‌تواند از محیط اجتماعی برکنار باشد. احساسات و عواطف شاعر که شعر ترجمان آن است مولود محیط اجتماعی و خانوادگی و حتی جغرافیایی شاعر می‌باشد.» (شجیعی، بی‌تا: ۳-۱۲) البته باید در نظر داشت که هیچ متن ادبی را نمی‌توان یافت که به طور کامل عاری از پیرایه تصاویر هنری و ادبی باشد؛ بلکه از سویی فردیت خلاق ادیب، مولد زیبایی ادبی است: «هر چند ایدئولوژی، تکنیک‌ها و سبک‌های ادبی را برای بیان مقاصد خود فراوان به کار می‌گیرد؛ اما فردیت خلاق هنرمند، پای از مرزهای بسته ایدئولوژی بیرون می‌گذارد و منجر به خلق متن‌هایی می‌شود که متن خلاقه ادبی را از متن عریان ایدئولوژیک متفاوت می‌کند. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۷۲) و از سویی دیگر هر نگرش ایدئولوژیک هنری - ادبی، گونه‌ای از ابزارهای هنری در جهت معرفی خود به خدمت می‌گیرد: «هر الگوی ایدئولوژیک، آرایه‌های بیانی و گونه‌های ادبی خاصی را به خدمت گیرد که متناسب با محتوا و اهداف آن است. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۶۱)

نتیجه

سبک تشبیهی از نظر بلاغی، مهم‌ترین وجه مشخصه شعر پیروان مقام معظم رهبری است. این مسأله متأثر از معناگرا بودن و ایدئولوژیک بودن شاعران سخنور در این زمینه است. شاعران ضمن تأکید بر میانی دین اسلام، چشم‌اندازهای فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی و ترویج تشیع، خواسته‌ها و درخواست‌های خود را در قالب غزل، قصیده و شعر نو و با زبانی ساده و فراگیر سروده‌اند.

تمرکز بر اهداف، گرایش به زبان ساده و عاری از صناعات ادبی، مشخصه‌ای است که در تمام اشعار ایدئولوژیک ملاحظه می‌شود. بدین ترتیب شاعر مخاطب عام را به خوانش شعر فرا می‌خواند برخلاف اشعار دشوار که مخاطب خاص دارد.

منابع و مأخذ

- ۱- امین‌پور، قیصر. سنت و نوآوری در شعر معاصر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- ۲- ————، ————، تنفس صبح. تهران: هنر و اندیشه اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۳- ————، ————، آینه‌های ناگهان. تهران: افق، ۱۳۷۲.
- ۴- پورنامداریان، تقی، «در سایه آفتاب (ساختار شکنی در شعر مولوی)»، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- ۵- تودروف، تزویان. از ادبیات تا اخلاقیات. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.
- ۶- خامنه‌ای، سید علی. آبروی ساحل‌نشینان. تهران: طلایی، ۱۳۹۵.
- ۷- ————، ————، استراتژی واحد امامت. اندیشه حوزه، ۱۳۸۶.
- ۸- سنجری، محمود. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۱۳). تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۹- سیمبر، رضا؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان. اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- ۱۰- شاهرخی، محمود. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۲۱). تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۱۱- شفیعی، خلیل. خاکریز آسمان. شیراز: انتشارات تعقل، ۱۳۸۵.
- ۱۲- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. شاعری در هجوم منتقدان. تهران: آگه، ۱۳۷۵.
- ۱۳- ————، ————، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: سخن، ۱۳۸۰.
- ۱۴- ————، ————، موسیقی شعر. تهران: توس، ۱۳۵۸.
- ۱۵- ————، ————، شاعر آینه‌ها، بررسی سبک هندی و شعر بیدل. تهران: نشر آگه، ۱۳۷۶.
- ۱۶- شفیعی، امین. آنچه گفتم تمام دلم نیست. شیراز: انتشارات تعقل، ۱۳۸۵.
- ۱۷- شکار سری، حمیدرضا. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر. تهران: نشر نیستان، ۳۷۸.
- ۱۸- شمیسا، سیروس. انواع ادبی. تهران: انتشارات فردوسی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
- ۱۹- ————، ————، سیر غزل در شعر فارسی. انتشارات فردوسی، چاپ سوم، ۱۳۷۰.

۶۸ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

- ۲۰- ——— کلیات سبک‌شناسی. انتشارات فردوس، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- ۲۱- ——— راهنمای ادبیات معاصر. شرح و تحلیل گزیده شعر فارسی، نشر میترا، ۱۳۸۲.
- ۲۲- ——— سیر غزل در شعر فارسی. انتشارات فردوس، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- ۲۳- ——— نقد ادبی. تهران: فردوس، ۱۳۸۳.
- ۲۴- صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
- ۲۵- فتوحی، محمود. سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن، ۱۳۹۱.
- ۲۶- ——— نقد خیال. تهران: سخن، ۱۳۷۹.
- ۲۷- محتشم، علی بن احمد. دیوان. تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند. تهران: نگاه، ۱۳۷۹.
- ۲۸- نوابی، عبدالحسین. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه. عباسقلی غفاری فرد. تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- ۲۹- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما، ۱۳۸۳.

